



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

## مذاکرات بین الافغانی دوحه؛ از تصور تا واقعیت (۱)

پژوهش  
خبری  
معاونت سیاسی  
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

**پژوهشگر: فرشته مقدم**

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲	مقدمه
۲	گزینی بر پیشینه طالبان
۳	اهداف کلی طالبان در حیطه عمل بر اساس مبانی فکری
۴	رهبران طالبان
۴	وجه تمایز نشست دوحه با نشست‌های قبلی
۵	نشست دوحه و دیدگاه کارشناسان
۶	سیاست متناقض آمریکا در روند صلح
۷	چشم انداز صلح طالبان و دولت افغانستان
۷	بیانیه ج.ا.ایران درباره آغاز مذاکرات بین‌افغانی در دوحه
۸	جمع بندی

پژوهش  
معاونت سیاسی  
صدا و سیما

نخستین دور گفتگوهای صلح دولت افغانستان با طالبان که پس از گذشت ۱۹ سال از آغاز جنگ آمریکا در افغانستان، در روز شنبه ۱۲ سپتامبر (۲۲ شهریور) در دوحه قطر آغاز شده بود، به پایان رسید. "عبدالله عبدالله" رئیس شورای عالی آشتی ملی، حنیف اتمر کاندیدای پست وزارت امور خارجه و سعادت منصور نادری وزیر دولت در امور صلح و در مجموع هیئت ۲۱ نفری دولت افغانستان، در شامگاه یکشنبه دوحه را ترک کردند و تأکید داشتند که این گفتگوها زمان بر بوده و "جنگ طولانی را نمی‌توان ظرف چند روز پایان داد."<sup>۱</sup>

گروه طالبان به رهبری مولوی عبدالحکیم حقانی، مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، مقام‌های قطری و نمایندگان حدود ۳۰ کشور و سازمان‌های جهانی در این نشست که به صورت حضوری و آنلاین بود، شرکت کردند. هرچند سرانجام دولت افغانستان و طالبان به میز مذاکره آمدند و گفته می‌شود که توافقاتی درباره دستورالعمل‌های مذاکرات صورت گرفته است، اما چرا خشونت‌ها همچنان ادامه دارد؟ همزمانی مذاکرات و ادامه درگیری‌ها چیست؟ گفته می‌شود که حملات گروه طالبان همزمان با آغاز مذاکرات بین‌الافغانی متوقف نشده و در ۱۸ ولایت جریان داشت. ولایت‌های فاریاب، بلخ، جوزجان، غور، بادغیس، هرات، غزنی، ارزگان و چندین ولایت دیگر شاهد درگیری بین اعضای طالبان و نظامیان افغانستان بودند. حال با توجه به "زمان بر" بودن گفتگوها و مذاکرات برای حل و فصل این "جنگ فرسایشی"، رویکرد همواره متناقض آمریکا، برای تسریع در برگزاری این نشست چه بوده است؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ به سؤالات مطرح شده و واکاوی موضوع ابتدا تورقی بر پیشینه برخی متغیرها ضروری باشد.

## گزری بر پیشینه طالبان

در ۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۴ (۱۸ مهر ۱۳۷۳) در اوج جنگ‌های داخلی افغانستان گروهی وارد منطقه "سپین بولدک" در ولایت قندهار در جنوب افغانستان شدند و نام خود را «تحریک اسلامی طلبای کرام» نهادند. حمایت‌های مکرر و القانات پنهان عربستان سعودی از طالبان آنها را با برداشت انحرافی از شعار جهاد با شرک و کفر و اینکه هر کس کشته شود به بهشت خواهد رفت باعث شد این گروه خیلی زود پیروان زیادی از افغانستان و پاکستان پیدا کنند. طالبان پاکستان در سال ۲۰۰۷ میلادی با هدف استقرار حکومت اسلامی و جاری کردن قوانین شرع در پاکستان، وارد مبارزه مسلحانه شد.

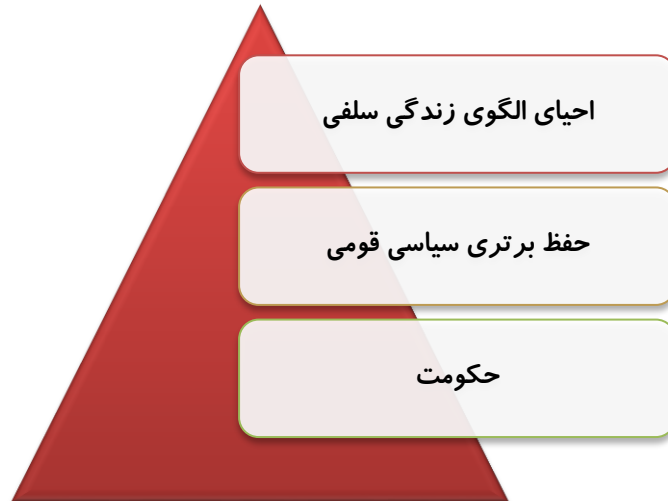
طالبان مناطقی را در جنوب افغانستان اشغال کردند. آنها یک ماه و دو روز پس از اعلام موجودیت، ولایت قندهار چهارمین ولایت مهم افغانستان را تصرف کردند. آنان ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ (۵ مهر ۱۳۷۵) کابل پایتخت افغانستان<sup>۲</sup> و سپس به تدریج سه چهارم خاک افغانستان را تصرف کردند.

<sup>۱</sup> - روزان، اخبار ایران و جهان، ۱۳۹۹/۶/۲۵

<sup>۲</sup> - طالبان به محض ورود به کابل، دکتر محمد نجیب‌الله احمدزی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان و برادرش شاهپور احمد زی را کشتند و جنازه‌هایشان را در چهارراه آریانا در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری افغانستان به نمایش گذاشتند.

طالبان سپس نام حکومت خود را "امارت اسلامی افغانستان" گذاشتند و تشکیلات خود را از طریق رادیو افغانستان اعلام نمودند. کشورهای عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی تنها کشورهایی بودند که طالبان را به رسمیت شناختند.<sup>۱</sup>

## اهداف کلی طالبان در حیطه عمل بر اساس مبانی فکری



### • احیای الگوی زندگی سلفی

طالبان با الگو دانستن زندگی اسلامی مورد نظرشان، پس از تصرف قندهار، هرات و کابل و نیز، پس از تشکیل حکومت، دستورات همگانی ویژه‌ای در این راستا صادر کرد مانند: مردان باید ریش بلند و لباس محلی داشته باشند. نماز جماعت اجباری است. رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و وسایل موسیقی، ابزار شیطان‌ی اعلام شد. نقاشی و عکاسی موجودات زنده ممنوع گردید. دختران و زنان حق تحصیل و کار ندارند و برای حضور در بیرون خانه بی‌آرایش، کاملاً پوشیده و همراه با پسر یا مرد محرم باشند. پیروان غیر اهل سنت مانند شیعیان و اسماعیلیان حق انجام مراسم مذهبی ندارند. زکات و عشر به عنوان مالیات‌های اسلامی دوباره رایج شد. تشکیل نظام خلافت اندیشه سیاسی و حاکمیتی طالبان، نظیر سایر جنبش‌های اهل سنت، بر پایه خلافت اسلامی است. در این راستا طالبان پس از تصرف کابل، با ملا محمدعمر، به‌عنوان امیرالمومنین و امیر امارت اسلامی بیعت کردند. رهبران بعد از وی نیز تحت این دو عنوان انتخاب می‌شوند.

### • حفظ برتری سیاسی قومی

پشتون‌ها از قرن ۱۱ش/۱۸م قدرت را پیوسته در افغانستان به دست داشته‌اند ولی ریاست برهان‌الدین ربانی - روحانی تاجیک - بر دولت مجاهدین این رویه را قطع کرد. بنابر این ملامحمد عمر، رهبر طالبان با اعتقاد به اصالت پشتون‌ها برای گرفتن قدرت، کوشید تا این سنت را دوباره زنده کند.

### • حکومت

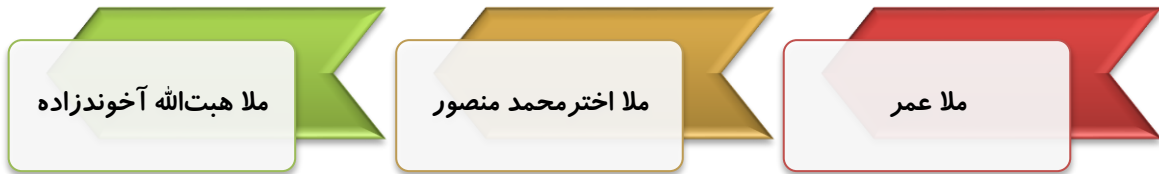
در مهر ۱۳۷۳ش پس از یک درگیری خونین میان نیروهای محلی مجاهدین و گروهی نوظهور در سپین بولدک، در افغانستان و نزدیک مرز پاکستان، فردی به نام مولوی منان نیازی با بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی مصاحبه کرد و خود را

<sup>۱</sup> - مشرق نیوز، ۱۳۹۳/۶/۲۳

سخنگوی گروه جنگجوی جدید معرفی نمود. او اهداف گروه را این‌گونه اعلام نمود: ما محصلین و طالبان مدارس دینی هستیم که برای از بین بردن گروه‌ها و دسته‌جات مسلح محلی و برقراری امنیت راه‌های تجاری اقدام نموده‌ایم. طالبان به سرعت توانستند قندهار، مهم‌ترین ولایت جنوبی افغانستان را تصرف کرده و در آنجا حکومت محلی خود را ایجاد کنند.

## رهبران طالبان

از زمان تشکیل طالبان، رهبری این گروه را سه نفر زیر پیاپی بر عهده داشته‌اند:



### • ملا عمر

اولین رئیس طالبان محمد عمر (قندهار ۱۳۳۹ش - پاکستان ۱۳۹۲ش / ۱۹۶۰-۲۰۱۳م) معروف به ملا عمر بود. محمد عمر پس از تصرف کابل (مهر ۱۳۷۵ش / اکتبر ۱۹۹۶م) در گردهمایی طلبه‌های جنوب افغانستان به امارت اسلامی طالبان انتخاب شد. او سابقه جهاد و عضویت در برخی احزاب جهادی افغانستان را دارا بود که از آن کناره‌گیری کرد. محمد عمر پس از سقوط حکومت طالبان و فرار به پاکستان تا هنگام مرگ دیده نشد.

### • ملا اختر محمد منصور

پس از محمد عمر، اختر محمد منصور (ولایت قندهار ۱۳۴۷- پاکستان ۱۳۹۵ش / ۱۹۶۸-۲۰۱۶م)، فرد شماره دو این گروه، به‌عنوان رهبر جدید آن انتخاب شد؛ اما بخشی از طالبان، این انتخاب را نپذیرفته و جدا شدند.

### • ملا هبت‌الله آخوندزاده

ملا هبت‌الله آخوندزاده (متولد: قندهار ۱۳۴۰ش / ۱۹۶۱م)، قاضی القضاة طالبان در زمان ملا عمر بوده و بین طالبان به شیخ الحدیث نیز مشهور است، ولی سوابق نظامی و مدیریتی چندانی ندارد. او به طایفه نورزی تعلق دارد و در ولسوالی پنجوایی قندهار متولد شده است. شیخ هبت‌الله در میان طالبان بیشتر یک چهره مذهبی است و اگرچه تجربیات زیادی در زمینه مسائل نظامی ندارد و بیشتر مسئول فتوای مذهبی این گروه بوده اما در تمام تحولات حکومت طالبان عضو رهبری طالبان بوده است.<sup>۱</sup>

## وجه تمایز نشست دوحه با نشست‌های قبلی

شنبه ۱۲ سپتامبر (۲۲ شهریور) نخستین دور گفتگوهای صلح دولت افغانستان با طالبان موسوم به "صلح افغانستان" پس از گذشت ۱۹ سال از آغاز جنگ آمریکا در افغانستان و یک روز پس از نوزدهمین سالگرد رویداد یازده سپتامبر، با حضور هیئتی از گروه‌های مختلف از جمله ۲۱ نفر از مقام‌های دولتی افغانستان و هیئت ۲۱ نفره طالبان به ریاست «شیخ مولوی عبدالحکیم» در قطر آغاز شد. این نشست به دلایلی چندین بار به تاخیر افتاد. پیش شرط طالبان برای این دوره که گفته می‌شود قرار است سرنوشت جنگ و صلح در افغانستان را تعیین کند، آزادی پنج هزار زندانی طالبان از

<sup>۱</sup> - ایرنا، ۱۳۹۵/۰۳/۰۵.

زندان‌های دولت افغانستان بود که این شرط به تازگی انجام شد. این دور از مذاکرات در حالی با بیم و امیدهای فراوان آغاز شده که دستیابی به "آتش‌بس" و "توافقنامه سیاسی" دو چالش بزرگ آن به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

مذاکرات بین‌الافغانی پس از ۱۱ دور نشست بین مقامات آمریکایی و طالبان محقق شد. در ابتدا قرار بود گفتگوهای بین‌الافغانی ده روز پس از امضای توافقنامه صلح طالبان و آمریکا در ماه فوریه سال جاری آغاز شود، اما رهایی زندانیان طالبان؛ به عنوان پیش‌شرط طالبان برای آغاز این گفت‌وگوها، این روند را بیش از هفت ماه با تاخیر رو به رو کرد.<sup>۲</sup> گفت‌وگوهای صلح طالبان با آمریکا نیز حدود هیجده ماه طول کشید تا سرانجام به امضای این سند انجامید. در ۱۰ اسفند ۹۸ میان آمریکا و طالبان توافق صلحی منعقد شد که بر اساس این توافق می‌بایست آمریکایی‌ها و تمامی نیروهای خارجی ظرف ۱۴ ماه کشور افغانستان را ترک کنند.

اهمیت نشست دوحه از آن جهت است که این دور از گفتگوها در واقع فاز نخست مذاکرات بین‌الافغانی و اولین نشست رو در روی هیئت‌های طالبان و دولت افغانستان محسوب می‌شود. قبل از این طالبان حاضر به گفتگوی مستقیم با نمایندگان دولت افغانستان نشده بودند.

### نشست دوحه و دیدگاه کارشناسان

شخصیت‌ها و آگاهان سیاسی افغانستان همزمان با برگزاری نشست گفتگوهای صلح بین افغانستانی که در دوحه قطر در جریان است، در شبکه‌های مجازی هشدار دادند: برای آمریکا صلح و ثبات و حقوق بشر در افغانستان ارزشی ندارد و صرفاً آنچه را که دنبال می‌کنند، منافع واشنگتن در این کشور است و این منافع به هر وسیله‌ای که به دست آید، توسط آنها حمایت می‌شود، حتی اگر طالبان ابزار آن باشد.

«احمد سعیدی»<sup>۳</sup> دیپلمات سابق افغانستان در پاکستان و استاد دانشگاه: آمریکا با توجه به منافع خود تصمیم می‌گیرد و از مفاهیم دموکراسی، حقوق زنان، انتخابات، جامعه مدنی و صلح در هر جا که به نفع آنها باشد استفاده می‌کنند و در افغانستان نیز هنگامی که حکومت طالبانی نیز همراه با منافع آنها باشد از آن دفاع می‌کنند. مگر آمریکایی‌ها دادگاه لاهه را به خاطر جنایت جنگی سربازان در افغانستان تحریم نکردند. ای کاش آمریکایی‌ها ۱۹ سال پیش از نظام طالبانی در این کشور حمایت می‌کردند که صدها هزار نفر از مردم افغانستان کشته نمی‌شدند.

«عبداللطیف نظری» کارشناس سیاسی: دو دهه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، فاصله بین قدرت واقعی آمریکا و قدرت اقناعی آن بسیار زیاد شده است. از همین رو دیپلماسی فرهنگی آمریکا با چالش‌های جدی در دنیای امروز مواجه شده است. ناکارآمدی استراتژی نظامی آمریکا و ناتوانی در افغانستان نیز ناشی از ناکامی دیپلماسی و فرهنگی کاخ سفید است. به همین دلیل آمریکا پس از دو دهه حضور در افغانستان هنوز نتوانسته است به پیروزی مورد نظر خود برسد. در واقع افغانستان پس از بیست سال حضور آمریکا، کماکان عرصه رشد رادیکالیسم، تشدید خشونت و کانون ناامنی است.<sup>۴</sup>

«عبداللطیف پدرام» دبیرکل حزب کنگره ملی افغانستان نیز در واکنش به نشست دوحه در صفحه فیسبوک خود نوشت: هنوز با صلح فاصله زیاد داریم. آنچه در قطر در حال رخ دادن است به نظر می‌رسد یک نمایشنامه باشد چرا

۱- ایرنا، ۱۳۹۹/۶/۲۲

۲- گفتنی است که در اواخر مرداد، کابل با رای لویه‌جرگه مشورتی صلح افغانستان، ۴۰۰ اسیر طالبان را آزاد کرده بود.

۳- سعیدی در صفحه فیسبوک خود نوشت: آمریکا برای منافع خود حقوق همه ملت‌ها را زیر پا می‌گذارد.

۴- خبرگزاری ایرنا، ۲۳ شهریور ۱۳۹۹.

که واقعیت افغانستان در شرایط کنونی همان جنگ است. زیر چکمه‌های اشغالگران و در غرش تانک‌ها و بالگردهای نظامیان اشغالگر نمی‌توان از دولت و کشور باعزت و صلح باعزت سخن گفت.<sup>۱</sup>

## سیاست مناقض آمریکا در روند صلح

هرچند دونالد ترامپ، در آستانه مذاکرات دوحه در کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید این مذاکرات را، نتیجه ماه‌ها و سال‌ها تلاش جدی دیپلماتیک دولت خود ارزیابی کرد، لیکن باید در نظر داشت که آمریکا با علم به این موضوع که اگر افغان‌ها اختلافات خود را کنار گذاشته و راه اتحاد را پیش بگیرند، هرگز جایگاهی در افغانستان نخواهد داشت، متمایل به نزدیکی افغان‌ها و اتحاد میان آنها نبوده و نخواهند بود. لیکن به نظر می‌رسد در این مقطع دو علت مهم مقامات کاخ سفید را مجبور به بازی در این زمین کرده است؛ در وهله نخست "کاهش هزینه‌های نظامی و ترمیم وجهه آمریکا در سطوح ملی و فراملی" و چه بسا مهمتر از آن "نمایشی برای کسب آراء بیشتر در انتخابات پیش رو".

تاریخ گواه آن است آمریکایی‌ها همواره قاعده بازی را برهم زده و مانع برقراری صلح در افغانستان می‌شوند. برای نمونه وقتی در سپتامبر ۲۰۱۹ خلیل‌زاد، نماینده ویژه رئیس جمهوری آمریکا در امور افغانستان خبر از حصول توافق بین طرف‌های افغان داد و اعلام کرد که منتظر تصویب این توافقنامه از سوی ترامپ هستند، به یک باره و بنا بر یک توطئه نخ نما، در همان روزها اعلام شد که یک سرباز آمریکایی بر اثر یک حمله تروریستی در کابل جان خود را از دست داده و همین امر موجب شد تا بهانه‌ای برای کاخ سفید و جنگ‌طلبان خلق شود و در نهایت نیز ترامپ به همین علت تصویب توافق صلح بین افغان‌ها را نیز به حالت تعویق درآورد.

آمریکاییان در دوره «باراک اوباما» نخستین تلاش‌های خود را برای برقراری مذاکرات صلح بین طالبان و گروه‌های افغان آغاز کردند. این اقدامات به دلیل وجود برخی تناقضات رفتاری در مقامات دولت آمریکا که در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ چند بار صورت گرفت، بی‌نتیجه پایان یافتند. پس از روی کار آمدن ترامپ در کاخ سفید، موضوع برقراری مذاکرات گروه‌ها و جناح‌های افغان در سال ۲۰۱۷ بار دیگر مطرح شد.

امروزه شرایط به گونه‌ای رقم خورده است که آمریکا عقب‌نشینی از افغانستان را امری ضروری می‌بیند و برای حفظ وجهه خود در جهان و نیز کاهش هزینه‌های دیگر، ناچار به برقراری صلح میان گروه‌های افغان است. بنابراین با همین هدف تلاش‌های زیادی را برای برگزاری نشست دوحه صورت داده که صرف نظر از هرگونه انگیزه دیگر، برگزاری این اجلاس را می‌توان زمینه‌ای برای خروج امن نظامی آمریکایی‌ها از افغانستان دانست و نشست گروه‌های افغان در آن را نیز به فال نیک گرفت، البته اگر در خلال آن باز هم یانکی‌ها عهد شکنی نکنند و پشت پرده‌ای را برای آن طراحی نکرده و تدارک نینند.<sup>۲</sup>

پایان دادن به جنگ افغانستان از مواردی است که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا رویای آن را در سر می‌پروراند و می‌کوشد در کنار دیگر شعارهای انتخاباتی‌اش از جمله پایان دادن به حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و حل بحران فلسطین تا پیش از انتخابات نوامبر (آبان ماه) به آن جامه عمل بپوشاند.

<sup>۱</sup>- خبرگزاری ایرنا، ۲۳ شهریور ۱۳۹۹.

<sup>۲</sup>- خبرگزاری ایرنا، ۲۲ شهریور ۱۳۹۹.

## چشم انداز صلح طالبان و دولت افغانستان

در باب صلح بین الافغانی و فرایندهای آن دو دیدگاه غالب وجود دارد:



### ۱. دیدگاه مثبت نگرانه

این دیدگاه به آینده امیدوار است و امضای توافق بین دولت و طالبان را امر شدنی و پایان خشونت و ناامنی می‌شمارد و خواست قلبی مردم افغانستان و اجماع جامعه جهانی بر تحقق روند صلح را ضامن اجرای این پروسه می‌داند. این دیدگاه بر این باور است که حل و فصل اختلافات با توجه به ریشه‌ای بودن برخی اختلافات و همچنین اهداف پیدا و پنهان متغیرها، به یکباره حادث نخواهد شد و به عبارتی "زمان بر" خواهد بود.

### ۲. دیدگاه منفی و بدبینانه

این دسته از تحلیل‌گران با در نظر داشت شرایط حاکم بر افغانستان و شقاق پیش آمده در بین سیاسیون، احزاب، اقوام و عملکرد نادرست و عدم صداقت غرب به مثابه میانجی پروسه صلح در اصل تحقق صلح بین الافغانی دچار تردیدند و بر آنند که با شرایط پیش آمده در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری خطر تجزیه افغانستان از حد احتمال فراتر رفته و به سمت تبدیل شدن به واقعیت نزدیک‌تر شده است. اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، قلمرویی به نام افغانستان متحد وجود نخواهد داشت تا سخن از صلح به میان آید!

### بیانیه ج.ا.ایران درباره آغاز مذاکرات بین الافغانی در دوحه

جمهوری اسلامی ایران از شروع گفتگوهای بین الافغانی بین دولت افغانستان، گروه‌های سیاسی و طالبان استقبال می‌کند و امیدوار است این گفتگوها بدون مداخله خارجی و در یک تفاهم جامع میان افغان‌ها به نتایج مطلوب خود برای استقرار صلح و ثبات دائمی در افغانستان و امنیت در منطقه منجر شود.

جمهوری اسلامی ایران همواره تاکید کرده است که حل مشکلات در افغانستان راه حل نظامی نداشته و ادامه حضور نیروهای خارجی یکی از علل اصلی تداوم جنگ در افغانستان است. تمامی مسائل و معضلات در افغانستان تنها از طریق گفتگو و مذاکره قابل حل و فصل هستند و خروج مسئولانه نیروهای خارجی پیش نیاز غیرقابل اجتناب برای رسیدن به صلح و امنیت در آن کشور است.

جمهوری اسلامی ایران امیدوار است دولت، گروه‌های سیاسی و طالبان بتوانند با حفظ دستاوردهای ارزشمند مردم افغانستان از جمله قانون اساسی، ساختارهای مردم سالارانه، مشارکت سیاسی فراگیر و حقوق و کرامت زنان و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی به توافقی پایدار دست یابند که مضمن صلح، آرامش، رفاه و سعادت‌مندی مردم افغانستان

<sup>۱</sup> - خبرگزاری صدای افغان، ۲۶ اسفند ۱۳۹۸، به قلم حجت الاسلام و المسلمین سید محمود هاشمی ارزگانی



باشد و به نوبه خود باعث شود مهاجرین افغان به کشور خود بازگشته و سهم خود را در بازسازی، رشد و ترقی افغانستان ایفا نمایند.

جمهوری اسلامی ایران با اعلام آمادگی مجدد برای آن که همچون گذشته به پیشبرد روند صلح در افغانستان کمک کرده و امکانات و توانمندی‌های خود را بدین منظور در اختیار برادران و خواهران افغان قرار دهد، هر گونه فرصت طلبی سیاسی و سودجویی کاسبکارانه، به ویژه استفاده دولت آمریکا برای بهره برداری‌های انتخاباتی از گفتگوهای بین‌افغانی را به شدت محکوم کرده و آن را مخل این گفتگوها می‌داند.<sup>۱</sup>

گفتنی است محمد جواد ظریف در گفتگوی تلفنی با "محمد حنیف اتمر" سرپرست وزارت امور خارجه افغانستان، با ابراز خرسندی از برگزاری گفتگوهای بین‌افغانی تأکید کرد که؛ ایران برای هر نوع مساعدت به روند صلح در افغانستان آمادگی دارد. آخرین وضعیت گفتگوهای طرف‌های افغان در چارچوب روند صلح، نقش کشورهای همسایه در روند صلح، روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف و در قالب سند جامع همکاری‌های راهبردی، محورهای دیگر گفتگو بود.

### جمع بندی

اغراق نیست اگر علت عمده ورود آمریکا به برقراری صلح میان گروه‌های مختلف افغان را تلاش آنها برای کاهش مخاطرات حضور و تلفات نیروهایشان در افغانستان از یک سو و نمایش تبلیغات انتخاباتی از دیگر سو ارزیابی کرد. چنانچه شخصیت‌ها و آگاهان سیاسی افغانستان نیز حتی با برگزاری نشست گفتگوهای صلح بین‌افغانستانی در دوحه نیز قویاً بر آینده مبهم و وضعیت نامعلوم برای افغانستان تأکید دارند. بی‌شک برای تیم ترامپ، مخابره خبرهای امیدوار کننده از پیشرفت روند صلح افغانستان در آمریکا بسیار حیاتی و مهم است. چرا که می‌تواند ناکامی‌های وی را در عرصه‌های ملی (به‌ویژه در بحث کرونا) و فراملی (عقب نشینی خفت بار از غرب آسیا، موضوع کره شمالی، خروج از توافقات بین‌المللی و از دست دادن و یا بی‌اعتبار شدن در نزد متحدین سنتی) را پوشش داده و به عبارتی "پیروزی نمادین" برای کاخ سفید محسوب شود.

بی‌شک مقامات افغانستان خواهان تحکیم صلح و ثبات در این کشور هستند. چنانچه عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه افغانستان و ملا برادر رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر نیز در سخنرانی‌های خود به مناسبت افتتاحیه مذاکرات صلح بر آن تأکید کرده و اظهار امیدواری کردند که با «آغاز این مذاکرات، صلح در افغانستان تحکیم شود تا مردم بعد از ۴۲ سال جنگ روی آرامش را در کشور ببینند»، حال باید دید جدای از چالش‌های ملی، طرف آمریکایی هم این هدف را در اولویت قرار خواهد داد و یا "واگرایی" برخی متغیرهای دخیل در این پروسه کاخ سفید را تنها به برگزاری نمایشی و نمادین این نشست مجاب کرده است؟

۱- تابناک، ۲۲/شهریور ۱۳۹۹.